

## داکتر عبدالرحمن زمانی

# حملات لجام گسیخته و بی پایه بر غازی امان الله خان، محصل استقلال افغانستان، اگر آگاهانه و دستوری نباشد، نقد جدید و فکر کردن خارج از جعبه هم نیست!

مصاحبه ۲۳ اگست ۲۰۱۴ داکتر زمان ستانیزی با محترمه خانم زهره یوسف داود بمناسبت نودوپنجمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان یقیناً که احساسات عده زیادی از همنوطنان ما را شدیداً جریحه دار ساخته است .

داکتر ستانیزی، استاد مطالعات داستان های افسانوی (اساطیرشناسی - Mythological Studies) در یکی از انستیتوت های سانتا باربارا، کالیفورنیا، گویا به کشف جدیدی مؤفق شده و مدعیست که بعد از نود و چهار - نودوپنج سال با استفاده از میتود فکر کردن خارج از جعبه یا **thinking out of the box** حقایق استقلال افغانستان را از افسانه جدا نموده، و تبلیغ میکند که استرداد استقلال افغانستان افسانه بیس نبوده زیرا افغانستان هیچوقت آزادی اش را از دست نداده و همیشه دارای سیاست خارجی آزاد بوده، و با کشور های دیگر روابط داشته است.

آقای ستانیزی ادعا دارد که «نقاد و تحلیلگر مسائل سیاسی میباشد» ، «نه مثل خوشبینان گیلان را نیمه پر، و نه مانند بدبینان آنرا نیمه خالی میبینند، بلکه میگویند که بیائید و اصلاً گیلان را کنار بگذارید» . او در پهلوی ادعا های ضد و نقیض و جنجال برانگیز دیگر میگوید که :

- استعمال کلیمه استرداد استقلال درست نیست، و لذا او طرفدار تجلیل روز استقلال نیست،
- به غازی امان الله خان نباید از لقب شاه استفاده کرد، بلکه مثل حکمرانان دیگر بارکزائی باید امیر خطابش کرد،
- غازی امان الله خان که هیچ چانس رسیدن به قدرت را نداشت از طریق یک کودتاه قدرت را از سردار نصرالله خان غصب نمود، و جنگ استقلال بمنظور انحراف افکار عامه از مسائل داخلی به مسائل خارجی برای انداخته شد،
- سردار نصرالله خان غرب دیده طرفدار نهضت بود، و میخواست هم استقلال افغانستان را بدست آورد و هم مناسبات خود را با انگلیس ها خراب نکند، زیرا تمام خانواده شاه معاش مستمری داشت، اگر آزادی را

از راه جنگ بدست بیاورد، این امتیاز معاش مستمری را از دست میدهند.

- اعلان عجلانه جنگ با انگلیس ها اشتباه بود، اما چون امان الله خان محبوبترین پادشاه افغانستان است، کسی آماده انتقاد بر او نیست،
- یگانه ثمره و خیر اعلان آزادی افغانستان توسط حکومت امان الله خان، اگر آنرا خیر گفته بتوانیم، اجازه دادن به سفارت روس در افغانستان بود، بودن یا نبودن یک سفارت دلالت بر کنترل تمام سیاست خارجی یک مملکت کرده نمیتواند.

و اما بدتر از همه آقای ستانیزی بدون ارائه هیچ نوع سند و مدرکی پا را فراتر نهاده و میگوید که «معاهده صلح راولپندی از جمله نه (۹) معاهده امضا شده با انگلیس ها بدترین و خطرناکترین معاهده بوده، بدتر از معاهده گندمک و معاهده دیورند، که سرحد دیورند را قانونیت و ابدیت بخشید» و غازی امان الله خان را به زعم خودش متهم به خیانت ملی نموده میگوید که «ما رسماً قباله خاک خود را به انگلیس ها دادیم - فروش خاک استرداد آزادی نیست».

این به اصطلاح وطندار دانشمند (!) همچنان تجدیل روز استرداد استقلال را در موجودیت عساکر خارجی در افغانستان یک فکاهی دانسته و با بی شرمی، وقاحت و بی حیائی تمام آنانی را که در محافل بزرگداشت روز استرداد استقلال شرکت میکنند، مثل کسانی میداند که «در مراسم عروسی مادر شان میرقصند». (۱)

تحقیق و بازنگری تاریخ با تحریف و جعل تاریخ تفاوت دارد ما میدانیم که نه تنها تعبیر و تفسیر رویداد های تاریخی و گذشته در نتیجه شواهد جدید و بازنگری علمی با گذشت زمان تغییرپذیر میباشد، بلکه تلاش بی پایان محققین و مؤرخین برای درک گذشته یا «بازنگری تاریخ» چیز است که به تاریخ معنی و حیات میبخشد. بدون بازنگری و تلاش برای بدست آوردن منابع جدید در این و یا آن کلیشه غرق باقی خواهیم ماند. اما تحقیق و بازنگری تاریخ با یاوه سرائی و ادعای های پوچ و میان تهی و حملات لجام گسیخته، بی پایه، توهین آمیز و تلاش برای تحریف و جعل تاریخ تفاوت دارد.

اگر وطندار دانشمند (!) ما با استفاده از شیوه های تحقیق علمی و ارائه دادن اسناد، مدارک و شواهد جدید حقایق استقلال افغانستان را به گفته خودش از افسانه جدا میساخت، یقیناً که در پهلوی بدست آوردن امتیاز و تکمیل نمودن شرایط حفظ چوکی استادی و یا ترفیع به رتبه بلند تر علمی، از طرف جامعه افغانی نیز مورد تقدیر و تمجید قرار میگرفت. اما متأسفانه که چنین نیست و آنچه را که حد اقل از مدت یکسال بدینسو اول به لسان پشتو و حال به لسان دری تبلیغ میکنند، نه نقد جدید است و نه هم فکر کردن خارج از جعبه. بلکه تکراریست از تبلیغات تخریبی و گمراه کننده استعمار انگلیس در دوره

امانی . نشخوار پروپاگند های دشمن را نمیتوان تفکر متفاوت، غیر متعارف و چشم انداز جدید خواند.

امروز مردم ما میدانند که نیروهای استعماری در افغانستان و منطقه از چه دسایس و نیرنگ هائی استفاده نموده و چگونه برای رسیدن به اهداف شوم شان از افغان های تحصیل کرده، حکمرانان دست نشانده، جاسوسان در لباس پیر و ملنگ، نفاق اندازی های لسانی، نژادی، مذهبی، حتی ایجاد و تقویۀ مذاهب جدید استفاده نموده و مینمایند.

من بدون آنکه وارد بحث طولانی شوم، و یا به تعریف اصطلاحات سیاسی استقلال، آزادی، استعمار کهن، استعمار نوین، مستعمره، نیمه مستعمره و کشور های وابسته بپردازم، توجه شما را به چند نکته مختصر جلب میکنم :

پیروزی امان الله خان بر سردار نصرالله خان نتیجه کودتا نبود  
پیروزی امان الله خان بر سردار نصرالله خان بعد از ترور امیر حبیب الله خان، نتیجه کودتا نبوده بلکه امواج جنبش مشروطه خواهی در رساندن امان الله خان به کرسی اقتدار نقش مهم داشت . این پیروزی ملی گرایان اصلاح طلب بر محافظه کاران سنت گرا بود. گرچه هردو رهبر با تمایلات امیر حبیب الله خان به طرفداری انگلیس ها در جریان جنگ اول جهانی مخالف بوده و خواهان شرکت افغانستان در جنگ جهانی و حصول استقلال کامل افغانستان بودند، اما برداشت شان از اصول اسلام و تطبیق آن در سیاست داخلی دولت متفاوت بود. ملی گرایان اصلاح طلب خواهان تجدید و یک نظام جدید اجتماعی در چوکات یک دولت مدرن ملی و متکی بر اصول اسلام بودند، در حالیکه محافظه کاران سنت گرا مخالف هرگونه نوآوری بودند.

انگلیس ها هم تاخت نشینی امان الله خان را منافی مقاصد خود دانسته نمیخواستند شهزاده امان الله خان که یکی از ملی گرایان، آزادی خواهان و اصلاح طلبان پر شور بود، جانشین امیر حبیب الله خان شود. مامورین انگلیس حتی از اوایل سال ۱۹۱۷ راپور های در دست داشتند که از اوج مبارزات ملی گرایان و نظریات و افکار آزادی خواهی و ضد استعماری شهزاده امان الله خان، محبوبیت رو به ازدیاد و احتمال بقدرت رسیدن وی با وجودی که ولیعهد نبود و فرزند سوم امیر بود، آگاهی کامل میداد (۲). اگرچه مرگ امیر حبیب الله خان بصورت آنی و غیر مترقبه بود، آنها میدانستند که ممکن قتل امیر نتیجه یک نوع مبارزه طلبی باشد. آنها پیشبینی میکردند که در صورت تصادم بین نیرو های ملا ها و روحانیون که از نصرالله خان طرفداری میکردند و ملی گرایان که از امان الله خان طرفداری میکردند، نصرت و برتری را ملی گرایان حاصل خواهند کرد (۳). آنها به همین دلیل برسویت شناختن نصرالله خان بحیث امیر جدید را به تعویق انداختند.

وقتی سردار نصرالله خان یک روز بعد از شهادت امیر حبیب الله خان سلطنت خود را در جلال آباد اعلان کرد و با نایب السلطنه هند بریتانوی بتماس شد. نایب السلطنه به لندن اطلاع داد " آرزوی ما یک جانشین سالم و توأم با صلح و رفیقانه است. اگر چه امیر قبلی مصمم به حفظ توازن بود، شاید این معیار روز بروز تغیر بخورد. زیرا پله ترازو را نمیتوان یکسان نگهداشت. رفاقت نصرالله خان یقیناً برای ما گران تمام خواهد شد" (۴).

چون انگلیس ها قبلاً از محبوبیت و امکانات اعلان جانشینی امان الله خان اطلاعی داشتند، لذا متوجه عواقب رفاقت نصرالله خان بوده، برسمیت شناختن نصرالله خان بحیث امیر جدید را به تعویق انداختند. و بریتانیا به هند اطلاع داد که " در شناسائی حکومت جدید عجله نکنید تا آنکه نصرالله خان خود را خوب مستقر سازد" (۵).

جنگ استقلال عجولانه و بمنظور انحراف افکار عامه از مسائل داخلی به مسائل خارجی نبود

امان الله خان مصمم بود استقلال کشور را چه از طریق مذاکره و یا جنگ حاصل کند. عمده ترین مرام جنبش مشروطه خواهی استرداد استقلال افغانستان بود. امان الله خان که در اوج مبارزات استقلال طلبانه و مشروطه خواهی درحالیکه مانعاً بزرگ یعنی امیرحبیب الله خان از سر راه برداشته شده و امکان تحقق آزادی کامل افغانستان از یوغ اسارت امپراتوری انگلیس مهیا شده بود، آگاهانه و از همان روز نخست اعلان سلطنت خود، طالب استقلال و آزادی کامل افغانستان بود. او که احساسات شدید آزادی طلبی و ضد استعماری اش از آغاز جنگ جهانی اول از کسی پوشیده نبود، و از داعیه ملی‌گرایان و آزادی طلبان و تلاش های هدایت ترکی- آلمانی برای استقلال هندنیز آشکارا حمایت میکرد، مصمم بود استقلال کشور را، چه از طریق صلح و مذاکره و یا زور و جنگ، حاصل کند.

در حالی که جنگ استقلال در ماه می آغاز شد، امان الله خان بتاريخ ۳ مارچ ۱۹۱۹ به لارد چلمسفورد Lord Chelmsford وایسرای هند بریتانوی از قتل پدر، خلع شدن غاصبین و انتخاب خودش بحیث امیر افغانستان اطلاع داده بود. این مکتوب به مقاصد و سیاست آینده و تصمیم او مبنی بر استرداد استقلال کامل افغانستان و لغو معاهدات پدرش نیز اشاراتی داشت: "... نباید بر آن رفیق ما پوشیده بماند که حکومت مستقل و آزاد افغانستان خود را آماده میداند که در هر وقت و هر موسم با در نظر داشتن ایجابات دوستی و امثالهم قرارداد ها و معاهداتی را با حکومت نیرومند انگلستان عقد نماید که در راه منافع تجارتي برای حکومت ما و حکومت شما مفید و سودمند باشد" (۶).

آیا حافظ سیف الله خان، وکیل بریتانیا در کابل، به هند اطلاع نداده بود که امان الله خان بتاريخ ۱۳ ماه اپریل در دربار اعلان کرد که:

«... من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلان کرده ام . بعد ازین مملکت من مانند سایر دول و قدرت های جهان آزاد است. به هیچ نیروی خارجی باندازه یک سر مو اجازه داده نخواهد شد که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید گردنش را به این شمشیر خواهم زد». بعد از آن ، امان الله خان روی خود را به طرف وکیل بریتانیا گشتانده گفت : ای سفیر! آنچه من گفتم شما فهمیدید؟ وکیل بریتانیا جواب داد : بلی فهمیدم .

حقیقت اینست که دولت انگلستان بعد از اعلام استقلال افغانستان و لغو معاهدات قبلی بمقابل یک عمل انجام شده قرار گرفته ، و در رابطه با قبول کردن و یا رد کردن آن با مشکلات جدیدی مواجه شده بود. انگلیس ها ازینکه استقلال افغانستان را بحیث یک حقیقت مسلم بپذیرند و یا رد کنند، متحیر بودند. هند بریتانوی برای اعتراض به موقف امیر جدید هیچ دلیلی نداشت و نمیتوانست تحت شرایط موجود تقاضای او را برای عقد معاهدات جدید بین دو ملت خودمختار رد کند . حکومت بریتانیا از مدت ها اصرار میورزیدکه معاهدات افغان و انگلیس تعهداتیست که با شخص امیر عقد شده، لذا درین فرصت برایشان دشوار بود از تقاضای امان الله خان برای عقد معاهده جدید با افغانستان ، ممانعت و جلوگیری نماید. به عقیده اکثریت در وزارت خارجه هند بریتانوی، با اعلام استقلال افغانستان ، عمر قرار داد قبلی ، چه شخصی و یا ملی بوده باشد، به پایان رسیده بود (۷) .

اما با گذشت یک ماه هم انگلیس ها جواب مکتوب امان الله خان را ندادند. آنها معتقد بودند که جواب قطعی به امان الله خان به معنی شناختن امان الله خان بحیث یک پادشاه مستقل بوده و این کار برای پالیسی بریتانیا در شرق یک شکست بزرگ خواهد بود.

### علت محبوبیت غازی امان الله خان در بین مردم

علت عمده محبوبیت بیشتر غازی امان الله خان نسبت به حکمرانان دیگر حصول استقلال کامل افغانستان و ظهور ایشان بحیث محصل و قهرمان استقلال بود. افغانستان یکی از نخستین کشور های شرقی در تاریخ معاصر جهان بود که استقلال کامل سیاسی اش را بدست آورد. استرداد استقلال افغانستان به پرستیژ و حیثیت امپراتوری انگلیس صدمه شدیدی وارد کرد . برعلاوه آنها با دو مشکل بزرگ مواجه بودند. مشکل اول آنها مجادله با ذهنیت و احساسات ضد انگلیسی مسلمانان جهان و خصوصاً مسلمانان هند بریتانوی بود، و مشکل دوم شان ضرورت جلوگیری نفوذ روس ها و انتشار نظریات بلشویکی بود که برای آن به یک افغانستان حائل و بفر ضرورت داشتند. آنها با درک تجارب ناکام و مصیبت بار گذشته شان نه به آسانی غازی امان الله خان را تعویض و حکمران دلخواهی چون شاه شجاع را نصب کرده میتوانستند، و نه هم نزدیکی افغانستان را به روسیه بلشویکی تحمل کرده میتوانستند.

انگلیس ها در تخمین نیرومندی غازی امان الله خان و عزمش برای استرداد استقلال کامل افغانستان مرتکب اشتباه شده بودند. اعتراف به تخمین غلط نیرومندی غازی امان الله خان، از اسناد محرمانه استخبارات انگلیس که حالا از محرمانیت برآمده است، هویدا است. انها این مسؤولیت را به گردن حافظ سیف الله خان ایجنت مسلمان انگلیس ها در کابل می اندازند. و می گویند که مانند نصرالله خان، حکومت هند بریتانوی هم توانمندی امان الله خان را درست تخمین نکرده بود (۸).

اعلان آزادی افغانستان پشت بزرگترین امپراتوری وقت جهان را به لرزه در آورد

انگلیس ها اول تصور نمیکردند که افغانها راه جنگ را در پیش گیرند، و بعداً هم برای اینکه ضعف خود را بپوشانند، بیشرمانه کوشیدند دست آورد های مبارزات آزادبخش افغانها را ناچیز جلوه داده ادعا کنند که گویا افغان ها درین جنگ شکست خورده و پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان صورت گرفته است. اما اسناد و شواهد نشان میدهند که تقاضای آتش بس، ختم جنگ و مذاکرات صلح اول توسط انگلیس ها پیشنهاد شده است. آدمک درین رابطه مینویسد که «حکومت هند به نماینده افغان اجازه داد تا به کابل رفته امان الله را به ختم فعالیت های خصومت آمیز وادار سازد. امان الله موافقه نموده، و در نتیجه آتش بس زمینۀ مذاکرات طولانی و هیجانی در راولپندی، میدسوری (منصوری) و کابل فراهم شد که به مصالحه و تأسیس مناسبات عادی همسایگی انجامید (۹)».

این مطلب را شادروان غبار نیز ذکر کرده مینویسد که «چون دولت انگلیس در طی جنگ با افغانستان اندازه خطر امپراتوری را در هندوستان ورشادت مردم افغانستان را در محاذات جنگ احساس و معاینه میکرد، لهذا مایل به صلح و تصدیق استقلال افغانستان گردید و راه مذاکره را توسط قوماندان خود در "دکه" با سفیر نظربند افغانی باز کرد. در طی این مذاکرات طولانی انگلیس ها تصدیق استقلال افغانستان را پذیرفته و از وجوب متارکه و مصالحه و منافع دوستی دولتین سخن زد. سردار عبدالرحمن خان بغرض اطلاع این تمایلات انگلیسها به پادشاه افغانستان بکابل آمد، در حالی که انگلیس ها عایله و پسر او (غلام احمد خان رحمانی) را در پایگاه عسکری خود نگهداشته بودند. سردار عبدالرحمن خان در کابل با شاه مذاکره کرد و بعد از تصمیم دولت بقبول پیشنهاد متارکه انگلیس با شرط تصدیق استقلال، برگشت».

اسناد محرمانه استخبارات انگلیس نیز نشان میدهد که پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان نه، بلکه خود انگلیس ها صورت گرفته و دولت افغانستان کوشیده بود از جدی بودن این تقاضای انگلیس ها و چگونگی شرایط شان اطلاع حاصل کنند. کمیشنر عمومی و نماینده حکومت هند بریتانوی برای گورنر جنرال ایالت سرحدی شمال غربی بتاریخ ۲۳ می ۱۹۱۹ به آمرینش در شیمله نوشت که: «عبدالرحمن خان، نماینده افغان،

با پیغام حکومت هند که دیشب برایش داده شده بود، امروز صبح بطرف دکه حرکت کرد. سه نفر از مصاحبان او درین جا در قلعه (نظامی) ما در توقیف بسر میبرند» (۱۰) .

برسمیت شناختن استقلال باعث مشاجره بین لندن و مأمورین هندبریتانوی گردید

قبل از استقلال انگلیس ها به همکاری جدی و عملی زمامداران افغانستان ضرورت نداشتند، ولی میخواستند که زمامداران افغانستان فرمانبردار و همکار شان بوده و افغانستان دولت فرمانبردار انگلیس بماند برای این منظور از وسایل سه گانه ذیل استفاده میکردند: (اول) اداره امور خارجی افغانستان توسط بریتانیا، (دوم) کمک مالی سرشار، ( سوم) کنترل ورود اشیای وارداتی مخصوصاً اسلحه از طریق هند.

با حصول استقلال روابط افغانستان با بریتانیا دستخوش تغییرات عمیقی شد. چون افغانستان برای انگلیس ها هم از نگاه جغرافیای سیاسی (جیوپولیتیک) و هم از نگاه خوف خطری که از طریق آن متوجه هند میگردید، اهمیت زیاد و حیثیت گوهر قیمت بهایی در تاج انگلیس داشت، امان الله خان را بخاطری که عامل این تغییرات بود، بخشیده نمیتوانستند. انگلیس ها میدانستند که استحکام و تقویت دولت امانی، سلطه شانرا در مناطق جدا شده از پیکر افغانستان نیز به مخاطره می اندازد. لذا تحریکات، تبلیغات و تخریبات نامرئی و آشکار شان علیه غازی امان الله خان نیز شدت یافت.

روزنامه " ستیت من " انتخاب گرانت را بحیث رئیس هدیت مذاکرات تقبیح نموده و لارد کرزن، وزیر خارجه برای امور هند، را مورد انتقاد قرار داد که گویا سیرت اصلی قرارداد صلح را پنهان نموده و مظنون بود که نامه اساسی همیلتون گرانت را که به علی احمد خان سپرده بود ودر آن استقلال داخلی و خارجی افغانستان را قبول کرده بود، برای مدتی نه تنها از انظار عامه مخفی نگهداشته بود، بلکه این نامه تا یک روز بعد از آنکه متن قرارداد صلح به لندن رسید، به مونتگیو وزیر خارجه نرسیده بود.

این روزنامه به نامه اشاره میکرد که ضمیمه قرارداد صلح به علی احمد خان داده شده و در آن گفته شده بود که "تعهذنامه مذکور و این نامه افغانستان را در امور داخلی و خارجی اش بصورت رسمی آزاد و غیر وابسته میگذارد". روزنامه ادامه داده نوشت که «افغانها بدون هیچ تردیدی برنده شدند. افغانها حالا هم سرکش و متمردهستند، حالا هم انقلابیون هندی را پناه میدهند، حالا هم با بلشویک ها مناسبات خیلی دوستانه دارند، و حالا هم در سرحدات مامصروف تحریک نزع میباشند. تمام بحث های پیچیده لارد کرزن این حقیقت ساده را پنهان کرده نمیتواند که حکومت هند هم عملیات جنگی را درهم و برهم

کرد و هم مذاکرات صلح را خراب کرد. کنترل مناسبات خارجی افغانستان را نباید فردای حمله آنها تسلیم می‌کردیم (۱۱)». .

به عقیده مقامات هند بریتانوی امضای قرارداد صلح، بدون شک، برایشان بسیار رضایت بخش بود. اما برسمیت شناختن استقلال افغانستان در لندن ایجاد سردرگمی کرد. عده زیادی از انگلیس‌ها می‌پنداشتند که سیاستمداران آنها چیزی را از دست دادند که برای بدست آوردنش مردان شان جان هایشان را از دست داده بودند، و آن کنترل افغانستان بود (۱۲)». روز کیپل به تاریخ ۴ جون به نایب السلطنه نوشت «امان الله آتشی را فروخته است که خاموش کردن آن برای ما بسیار دشوار خواهد بود».

معاهده صلح راولپندی خط دیورند را قانونیت و ابدیت نبخشیده است

هیچ شکی وجود ندارد که امضای خودسرانه قرارداد صلح راولپندی یک لغزش بزرگ و خیانت علی احمد خان بود. به او و هیئت افغانی راجع به شرایط صلح دستور داده شده بود که صلح ما با دولت بریتانیا مبنی بر شرایط ذیل است: ۱- آزادی افغانستان، ۲- حفاظت از حقوق اقوام سرحد، و ۳- تادیبه غرامت جنگی به هر اسمی که باشد.

اما علی احمد خان به تنهایی تصمیم گرفته و با وجود هدایات صریح، معاهده پنج فقره‌ی صلح راولپندی را که به ضرر افغانستان بود، بتاريخ ۸ اگست سال ۱۹۱۹ میلادی امضاء کرد، و انگلیس‌ها تنها استقلال افغانستان را طی نامه جداگانه مورد تأیید قرار دادند.

محمود طرزی بعد از بازگشت او گفت که علی احمد خان حق نداشت تا با قبول کردن علامت گذاری سرحدات، خاک افغانها را به انگلیس‌ها بدهد. فقط یک کلمه استقلال او را چنان تحت تأثیر آورده بود که تمام چیزهای دیگر را فراموش کرد. علی احمد خان بخاطر خودسری اش محکوم گردیده از طرف شاه امان الله خان مورد سرزنش و عتاب قرار گرفته از مقامش سبکدوش و توقیف شد.

اما بعد از عقد قرارداد صلح که به نفع دولت انگلیس تمام شد، یعنی از جمله سه شرط آزادی افغانستان، محافظه حقوق قبایل سرحد، و گرفتن غرامت جنگی، تنها شرط اول آن توسط انگلیس‌ها قبول شد، مبارزین سرحد جنگهای گوریلائی را ادامه دادند. افغانستان به پناه گاه آنها تبدیل شد. دولت افغانستان از آنها حمایت کرد، و با تمام مردم سرحد علائق جدی خود را حفظ نمود (۱۳).

«بعد از جنگ استقلال، موضوع وحدت دوباره پشتونها یک امر مهم سیاسی در سطح دولتی شد. امان الله خان که شجاعت خویش را به صفت مرد عمل



(خصوصیتی که پشتونها بسیار به آن ارج می نهادند) ثابت ساخته بود، حمایت روحانیون و قبایل قدرتمند ولایت مشرقی را بدست آورد. به گفته سنزل نوید «معلوم است که رژیم نمیتوانست موضوع توحید مجدد قبایل را بدون براه انداختن جنگ دیگری با انگلیسها تصفیه کند. یگانه راه این بود که شورشهای ضد انگلیس را در منطقه به صورت پنهانی با تقویت روحی و کمک های مالی تشویق نموده قیام پشتونها را به حرکت وسیعتری، یعنی همبستگی اسلامی یا پان اسلامیزم، مربوط سازد (۱۴).

شادروان غبار مینویسد «بعد از آنکه معاهده کابل بین افغانستان و انگلیس امضاء شد و اوضاع به حال عادی برگشت، مجدداً سیاست اصلی افغانستان و مردم آزادی خواه سرحدات آزاد با سیاست استعماری انگلیس بالای مسئله سرحدات آزاد در تصادم آمد و این مصادمه سالها طول کشید تا دولت امانیه در افغانستان، و بعد ها سیادت دولت انگلیس در هندوستان پایان یافت، معهداً قضیه سرحدات آزاد حل نشد و کشمکش تازه با "وارث" انگلیس "دولت پاکستان" آغاز یافت و هنوز دوام دارد و بدون تردید تا نفوذ خارجی درین منطقه معدوم نگردد، این نقاضت و مبارزه دوام خواهد کرد(۱۵)».

آقای ستانیزی شما میتواند تفصیل حمایت دولت امانی از حقوق قبایل سرحد آزاد را تحت عناوین جرگه بزرگ تاریخی هده جلال آباد، تأسیس و نشر جریده اتحاد مشرقی، تلاش های دیپلماتیک حمایت از اقوام سرحد آزاد، فرستادن حاجی عبدالرازق خان اندر به وزیرستان، حمایت از آزادیخواهان در مرکز مجاهدین چمرکند، حمایت از پان اسلامیزم و جنبش خلافت مسلمانان هندی، حمایت از جنبش پان اسلامیزم برای ضعیف ساختن نفوذ انگلیس ها را در فصل ششم کتاب « **بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس**» که در زمستان سال ۱۳۹۱ شمسی / ۲۰۱۳ میلادی چاپ شده است مطالعه کند.

آقای ستانیزی، اگر باحمالات لجام گسیخته و بی پایه بر غازی امان الله خان، محصل استقلال افغانستان، دستوری و آگاهانه و یا برای کسب امتیاز مسلکی و یا شهرت عمل نمیکند، نا آگاهانه خود را در صف کسانی قرار داده است که دستوری و آگاهانه به تحریف و جعل سیستماتیک تاریخ معاصر ما کمر بسته و مانند دشمنان قسم خورده از اسم افغان و افغانستان و افتخارات ملی ما نفرت دارند. همان کسانی که افغانستان را کشور جعلی و استقلال آنرا نیز جعلی میدانند. شاعر ولسی افغان ملنگ جان چه خوب گفته است که :

چې يې مور وي په دې خاوره زيږولي  
چې په هر ژبه گویا وي خو افغان دئ

چې خیرخواه د وطن نوي ملنگ جانه  
خلص دا چې نه پښتون او نه انسان دئ

مأخذ:

- (۱) . بیانیهٔ داکتر زمان سانیزی در محفل گرامیداشت استرداد استقلال افغانستان توسط افغانی کلتوری ټولنه در شمال کلیفورنیا و مصاحبهٔ او با خانم زهره یوسف داود [www.stanizai.com](http://www.stanizai.com)
- (۲) . Adamec, L. W. (1967). Afghanistan, 1900-1923; A Diplomatic History. (تاریخ دیپلوماتیک افغانستان بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۲۳)، ص ۱۰۸.
- ۳ . آدمک، لودویک، دبلیو (۱۳۷۰)، روابط خارجی افغانستان در نیمهٔ اول قرن بیست. ترجمهٔ پوهاند محمد فاضل صاحبزاده. پشاور، کتاب فروشی فضل، ص ۶۴.
- ۴ . همانجا
- ۵ . همانجا
- ۶ . اسناد محرمانهٔ مربوط به سرحدشعبهٔ خارجه، پراگراف ۹۸ شماره های ۱-۱۵۸، جون ۱۹۱۹، آرشیف استخبارات هند بریتانوی .
- ۷ . اسناد محرمانهٔ مربوط به سرحدشعبهٔ خارجه، پراگراف ۷۱۲، شماره های ۷۰۵-۸۰۶، اکتوبر ۱۹۲۰، آرشیف استخبارات هند بریتانوی .
- ۸ . اسناد محرمانهٔ استخبارات انگلیس، آرشیف هند بریتانوی، L/P&S/20/B285, P12
- ۹ . Adamec, L.W. (1996)، ص ۲۳۳.
- ۱۰ . اسناد محرمانهٔ آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره پی ۱۴۳۳ آر، مؤرخ ۲۳ می ۱۹۱۹، L/P&S/10/819, P285
- ۱۱ . روزنامهٔ انگلیسی زبان هندی **Statesman** (زمامدار) کلکته، ۱۸ نومبر ۱۹۱۹
- ۱۲ . Stewart, Rhea Talley (1973). (آتش در افغانستان) ، ص ۹۵.
- ۱۳ . غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، صفحات ۷۸۴ و ۷۸۵.
- ۱۴ . نوید، سنزل /ترجمه مجددي، نعیم (۱۳۸۸)، ص ۷۳.
- ۱۵ . غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، ص ۷۸۴ .